

## دکترین پاکدستی با تاکید بر اختلاف ایران و آمریکا در قضیه مصادره اموال (۲۰۱۶)

عباس برزگزاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

**چکیده:** یکی از ایرادات مقدماتی ایالات متحده آمریکا در قضیه مصادره اموال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری که متعاقب حکم دیوان عالی (۲۰۱۶) این کشور صورت پذیرفت استناد به دکترین دست‌های پاک بود. مسئله اصلی این تحقیق که به شکل توصیفی تحلیلی انجام شده بررسی ایراد مقدماتی آمریکا با استناد به دکترین دست‌های پاک است. ایالات متحده آمریکا مدعی گردیده بود که دولت ایران با حمایت از تروریسم و صورت ویژه حزب الله لبنان، حق دادخواهی را از خود سلب نموده است. دیوان بین‌المللی دادگستری با پذیرش دفاعیات تیم حقوقی ایران ایرادات آمریکا بر صلاحیت و قابلیت استماع دادخواست را رد نمود. دکترین دست‌های پاک دارای سابقه دیرینه‌ای در ادبیات حقوقی است و توسط نهادهای داوری بین‌المللی نیز به عنوان یکی از شرایط قابلیت استماع دادخواست مورد پذیرش واقع شده ولی هیچگاه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یک ایراد مقدماتی مورد قبول واقع نگردیده است و دیوان غالباً بررسی آن را به مرحله ماهیتی ارجاع داده است. در قضیه اختلاف میان ایران و ایالات متحده آمریکا نیز دیوان از رویه خود تخطی ننمود.

**واژگان اصلی:** پاکدستی، رویه قضایی، دیوان بین‌المللی دادگستری، ایران، آمریکا، مصادره اموال.

۱. استادیار گروه حقوق بین‌الملل خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

دکترین دست های پاک یکی از نهادهای حقوقی است که اصولاً توسط خوانندگان دعاوی به منظور رد دادخواست خواهان مورد استناد واقع می شود. جمهوری اسلامی ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ دادخواستی به طرفیت ایالات متحده آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری (از این به بعد دیوان) به ثبت رسانید. این دادخواست متعاقب حکم به مصادره اوراق بهادار بانک مرکزی ایران در سیتی بانک نیویورک آمریکا بود که به منظور جبران خسارت دعاوی متعددی از قبیل حملات ۱۱ سپتامبر، بمب گذاری سال ۱۹۸۲ بیروت که منجر به کشته شدن تفنگداران دریایی آمریکا صادر شده بود، اقامه گردید. دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۱۶ مجوز برداشت از حساب را به نفع خانواده قربانیان صادر نمود. ایالات متحده آمریکا در این قضیه به منظور رد دادخواست جمهوری اسلامی ایران از طریق غیر قابل استماع قلمداد شدن آن به دکترین پاکدستی متوسل گردید و ادعا نمود با توجه به اینکه ایران در لیست دولت های حامی تروریست است و با عنایت به حمایت این کشور از گروه تروریستی حزب الله لبنان و به دلیل نقض حسن نیت صلاحیت اقامه دعوا نزد دیوان را ندارد. به منظور تحلیل ایراد مقدماتی آمریکا در چهار سطح دکترین، رویه داوری بین المللی، گزارش کمیسیون حقوق بین الملل و رویه قضایی دیوان به مطالعه خواهیم پرداخت.

### ۱- دکترین پاکدستی

«دولتی که مرتکب رفتار غیرقانونی گردیده، ممکن است که از اهلیت اقامه دعوی نزد دادگاه به دلیل رفتار غیرقانونی دیگر دولت ها که آنها هم متقابلاً مرتکب نقض تعهدات بین المللی شده اند؛ محروم شود» (Fitzmaurice, 1957:119). چنین وضعیتی را اصطلاحاً نقض پاکدستی می نامند و برخی از دولت ها عدم قابلیت استماع دادخواست را از نتایج آن بر می شمردند. در اینکه آیا دکترین پاکدستی یک اصل حقوقی بین الملل است نیز تفاوت دیدگاه های بسیاری وجود دارد. «سیستم حقوقی بسیاری از کشورها مشتمل بر شناسایی مفهوم پاکدستی است به این معنا که اعمال غیرقانونی غیر معتبر شناخته می شوند. با این حال از حیث تاریخی مواجهه دادگاه ها با دکترین پاکدستی یکسان و قطعی نیست» (Hoffman and others, 2015:321). «دکترین پاکدستی متشکل از عناصری از قبیل رفتار غیرقانونی

یا غیرموجه طرف اول (مدعی)؛ رفتار طرف دوم که ممکن است مشتمل بر الف) عدم اجرای یک تعهد بین المللی یا؛ ب) یک تخلف بین المللی باشد، است» (kaldunski, 2015:70). «دعوا باید در مقابل (بر مبنای) یک عمل غیر قانونی باشد» (Cheng, 1953 : 156) نه اینکه مدعی خود مرتکب نقض قانون شده باشد.

«برخی انصاف و پاکدستی را مترادف همدیگر فرض نموده اند و انصاف را، راه اجرای عدالت می دانند. استناد به عدم پاکدستی برای طرفین یک قاعده طلایی است که موجب منع بهره برداری یکی از طرفین از اقدام غیرقانونی خودش است» (Anenson, 2019:19). حسن نیت و انصاف از جمله بنیان های یک نظم بین المللی به شمار می آیند و رعایت پاکدستی نیز که منبعث از این دو اصل است لازمه برقراری نظم عمومی قلمداد می شود. «اصولاً نظم عمومی انعکاس دهنده استانداردهای بنیادین اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی، مذهبی و بسیاری از دولت ها یا جامعه فراملی است و اصول و معیارهایی را که تحت پوشش قرار می دهد آن چنان مقدس هستند که حفاظت از آنها به هر قیمت و بدون استثناء صورت می پذیرد» (Amiato, 2020:20). بنابراین اگر دکترین پاکدستی را هم مشمول این تعریف بدانیم، بر شمردن آن در زمره نظم عمومی امکان پذیر خواهد بود. اصولی همچون «هیچکس نمی تواند از خطای خودش بهره مند شود»، «یک رفتار غیرقانونی نمی تواند مبنای یک ادعا باشد»، «ادعای کسی که صداقت ندارد شنیده نمی شود»، «یک اقدام قانونی نمی تواند ناشی از یک تخلف باشد»، «هیچکس نباید از اقدام متخلفانه خودش بهره مند شود»، همگی به شکلی بیان تلویحی دکترین پاکدستی به شمار می آیند بنابراین شناسایی این دکترین در حقوق داخلی دولت ها در مرحله ثبوتی است. «دو دیدگاه می توان نسبت به دکترین پاکدستی داشت؛ در طبقه اول می توان آن را «اقتضائات مشروعیت»<sup>۱</sup> یک دادخواست تلقی نمود و در طبقه دوم جلوگیری از «سوء استفاده از دادرسی»<sup>۲</sup> (Seifi and Javadi, 2013: 123). هر دو برداشت از دکترین از جمله دلایلی است که بعضاً دولت های خواننده نزد دیوان، به منظور عدم پذیرش دادخواست به آنها استناد می نمایند.

<sup>1</sup> Legality requirement

<sup>2</sup> Abuse of process

## ۲-۱- معاهدات سرمایه گذاری و تجاری

در برخی از معاهدات سرمایه گذاری و تجاری شرط استناد به پاکدستی مدعی وجود دارد و این حقی طبیعی برای دولت ها است که دسترسی به مکانیسم حل و فصل اختلافات را مشروط به شرایطی که یکی از آنها رعایت حقوق دولت میزبان است نمایند (ICSID, 2001, para.46). هدف مقدماتی چنین مقرره ای جلوگیری از اقامه دعوی سرمایه گذارانی است که رفتاری مغایر با قانون داشته اند. این رویکرد در چندین پرونده مورد حمایت واقع شده است. حتی در معاهداتی که شرط دکترین پاکدستی نیز قید نگردیده دیوان های داوری به این امر توجه ویژه ای داشته و آن را اعمال کرده اند. در قضیه پلاما همین مسئله موجب عدم قابلیت استماع گردید. «در این خصوص نکته مهم تعیین دقیق قلمرو «مطابق با قانون» و دکترین پاکدستی است» (Amiato, 2019-2020:9) به این معنا که نقض مفاد قراردادی و پاکدستی در چه نسبتی با یکدیگر قرار دارند. اگر هر دوی این اصطلاح مترادف انگاشته شوند نتیجه این است که قید پاکدستی در غالب معاهدات سرمایه گذاری به صورت ضمنی وجود دارد. رفتار مطابق با قانون اصولاً به رعایت قوانین کشور میزبان ارجاع دارد که به نظر می رسد مراد از پاکدستی در حوزه سرمایه گذاری نیز همین مسئله است. «در قضیه هولی دیوان داوری به قضیه پلاما ارجاع می دهد و بیان می دارد که سرمایه گذاری که مرتکب اقدامات غیرقانونی گردید. نباید مجاز به بهره مندی از معاهده شود» (Dumberry, 2016: 239). نتیجه اینکه در معاهدات سرمایه گذاری و تجاری متضمن قید پاکدستی - چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی - دکترین پاکدستی موجبی برای غیر قابل استماع تلقی شدن دادخواست می شود که البته در این خصوص بعضاً رویه مغایر و نظریات مخالفی وجود دارد.

## ۲-۲- مطالعات کمیسیون حقوق بین الملل

کمیسیون حقوق بین الملل متعاقب بند ۱۳ قطعنامه ۵۱/۱۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۹۶)، در چهل و نهمین اجلاسیه خودش (۱۹۹۷) مبادرت به تعیین کارگروهی به منظور تعیین دامنه و ماهیت حمایت دیپلماتیک نمود. اولین گزارشگر کمیسیون بنونا تعیین شد که پس از انتخاب وی به عنوان قاضی دیوان بین المللی برای یوگوسلاوی سابق از این سمت استعفا داد و دوگارد جایگزین وی گردید. کمیسیون حقوق بین الملل در خلال بررسی پنجمین گزارش

کمیسیون<sup>۱</sup> از گزارشگر تقاضا کرد که نسبت به تبیین مفهوم پاکدستی و ارتباط آن با حمایت دیپلماتیک اقدام نماید. در همین رابطه آلن پله عنوان داشت که «مفهوم مبهم پاکدستی تفاوت چندانی با اصل کلی حسن نیت در روابط میان دولت ها ندارد و هیچ نتیجه مستقل و تاثیر قابل توجهی بر قواعد عمومی مسئولیت بین المللی ندارد. با این اوصاف در چهارچوب حمایت دیپلماتیک که شامل روابط میان دولت ها و افراد است، این مفهوم اهمیت جدیدی یافته و کاربردی گردیده است، زیرا در غیاب پاکدستی، اعمال حمایت دیپلماتیک منقوص می شود. اگر شخص خصوصی مورد حمایت، قوانین داخلی دولت یا حقوق بین الملل را نقض کند؛ آن دولت حامی نمی تواند از شخص موردنظر حمایت دیپلماتیک به عمل آورد» (Yearbook, 2004: 12)

«دکترین پاکدستی در اختلافات میان دولت ها در وضعیتی که در حال حمایت دیپلماتیک نیستند اعمال نمی شود» (Yearbook 2004:11). گزارشگر ویژه در خصوص حمایت دیپلماتیک، پروفیسور دوگارد بیان داشت «دکترین پاکدستی نمی تواند جایگاه ویژه‌ای در حمایت دیپلماتیک داشته باشد» (ILC Report 2005, para.9). دوگارد در ششمین گزارش<sup>۲</sup> مورخ ۱۱ آگوست ۲۰۰۴ پس از بررسی دکترین، رویه قضایی و داوری بین‌المللی بیان داشت که «شواهدی به نفع دکترین پاکدستی وجود ندارد. استدلال‌های ارائه شده در مورد این دکترین بطور منظم در موارد مستقیم بین دولت‌ها قبل از ایجاد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح گردیده، اما آنها هنوز تایید نشده‌اند. اینکه آیا این دکترین در ادعاهای مربوط به حمایت دیپلماتیک قابل استفاده است یا خیر بسیار سوال برانگیز است چرا که هیچ مرجع مشخصی برای حمایت از کاربرد دکترین در موارد حمایت دیپلماتیک وجود ندارد. عمدتاً نظریات ارایه شده متعلق به اواسط قرن نوزدهم است. در این شرایط «علی رغم تأکید حقوقدانان نسبت به پاکدستی»، گزارشگر ویژه دلیلی برای گنجاندن ماده ای در پیش‌نویس مربوط به دکترین پاکدستی نمی بیند» (ILC Rep 2004, p.6, para.18). این دیدگاه در مجمع عمومی سازمان ملل هم مورد تأیید قرار گرفت (G.A. official, 56 session, 173). «دیوان نیز تاکنون پاسخ مشخصی به اینکه دکترین پاکدستی میان دولت ها اعمال می شود یا خیر بیان نداشته است» (ILC Report 2004 :4).

### ۳-۲- رویه قضایی<sup>۳</sup>

<sup>1</sup> A/CN.4/538 , 3-11 MAY 2004

<sup>2</sup> ILC Report A/CN.4/546 , 11 August 2004

<sup>3</sup> Star Decision or Jurisprudence

مجمع عمومی سازمان ملل متحد مستند به صلاحیت مندرج در ماده ۹۶ منشور ملل متحد در مورخ ۸ دسامبر ۲۰۰۳ متعاقب قطعنامه ES-10/14 از دیوان بین المللی دادگستری در خصوص عواقب قانونی احداث دیوار حایل توسط اسرائیل در مناطق اشغالی، تقاضای صدور نظریه مشورتی نمود. این درخواست پیرو گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مناطق اشغالی فلسطینی صورت پذیرفت و مجمع عمومی از دیوان تقاضا داشت که رفتار اسرائیل را در احداث دیوار با اصول و قواعد حقوق بین الملل، کنوانسیون های چهارگانه ژنو و قطعنامه های شورای امنیت و مجمع عمومی مطابقت داده و اظهار نظر نماید. از نظر اسرائیل «فلسطین بابت اقدامات تجاوز کارانه علیه اسرائیل و مردمی که دیوار برای حفاظت از آنها احداث می شود، دارای مسئولیت است و (فلسطین) نمی تواند از دیوان برای رفع وضعیت ناشی از عمل غیرقانونی خود درخواست جبران خسارت نماید. بنابراین اسرائیل با استناد به اصل پاکدستی و حسن نیت از دیوان می خواهد که درخواست صدور نظریه مشورتی مجمع عمومی را رد کند» (Advisory opinion, 2004, p.163, para.63). دیوان به این دلیل که نظریه مشورتی باید در پاسخ به سؤال مجمع عمومی صادر شود و نه یک دولت، این ادعا را رد کرد. (Advisory opinion, 2004, p.164, para.64) ولی به صورت مشخص در خصوص دکترین پاکدستی اظهار نظر نکرد.

در ۲ نوامبر ۱۹۹۲ جمهوری اسلامی ایران دادخواستی به طرفیت ایالات متحده آمریکا به دلیل حمله ناوهای نظامی این کشور در دو تاریخ اکتبر ۱۹۸۷ و آوریل ۱۹۸۸ به سکوی نفتی ایران که متعلق به شرکت ملی نفت ایران در منطقه فلات قاره بودند ثبت نمود و مبنای صلاحیت دیوان را معاهده مودت ۱۹۵۵ منعقد فی مابین دو دولت قلمداد نمود. ایالات متحده آمریکا در ایرادات مقدماتی بیان داشت که «دولت ایران موجب اخلال در عبور بی ضرر کشتی ها تجاری از قبیل «ایگلو اسپو»<sup>۱</sup> «توپاز»<sup>۲</sup> «هافل»<sup>۳</sup> و «تورم روتنا»<sup>۴</sup> گردیده است» (preliminary objection of United states, 1993, 71) و به همین دلیل دیوان باید دادخواست جمهوری اسلامی ایران را رد کند. به زعم آمریکا حملات متعدد نیروهای نظامی و شبه نظامی وابسته به ایران موجب اختلال در روند

<sup>1</sup> Igloo Espoo

<sup>2</sup> Topaz

<sup>3</sup> Hafpel

<sup>4</sup> Torm rotna

تجارت مسالمت<sup>۱</sup> آمیز شده است (ICJ Rep; 1996, p.11). دولت ایران در پاسخ به ایرادات آمریکا اظهار داشت که ادعای آمریکا مبنی بر تجویز حمله به سکوهای نفتی به دلیل حمله ایران به کشتی های دیگر کشورها به هیچ وجه قابل پذیرش نیست ( Observations and submissions of iran , 1994, Annex E: 14). ایرادات مقدماتی خودش به نحو ضمنی ایران را متهم به عدم پاکدستی نمود ( ICJ Rep; 2003, P.176, para.27). ایران استدلال می کند «دکترین پاکدستی که مورد استناد خوانده است یک نهاد مستقل نیست و مفهومی است که از حسن نیت الهام گرفته شده است. دکترین پاکدستی قابل اعمال در حمایت دیپلماتیک است و ناظر بر روابط بین دولتی<sup>۲</sup> نیست» (ICJ Rep, 2003, P.177, para.28) دیوان ادعای عدم قابلیت استماع را رد کرد ولی هیچگونه توضیحی در مورد استدلال دولت ایران در خصوص دکترین پاکدستی و امکان یا عدم امکان اعمال آن در روابط میان دولت ها ارائه نکرد (ICJ Rep, 2003, p.177-178, para.28-30).

در سال ۱۹۸۲ مقامات ایالت آریزونا دو تبعه آلمانی<sup>۳</sup> را به اتهام سرقت مسلحانه و قتل رییس و کارمند بانک بازداشت و پس از رسیدگی در دادگاه بدوی به اعدام محکوم کردند. بر اساس ماده ۳۶ (۱)(b) کنوانسیون روابط کنسولی<sup>۴</sup> ۱۹۶۳ دولت میزبان باید دولت متبوع متهم را از وضعیت (از قبیل بازداشت، زندان و نظایر اینها) تبعه مطلع سازد. به دلیل عدم رعایت این مقرره، دولت آلمان در مارس ۱۹۹۹ دادخواستی به طرفیت ایالات متحده آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری ثبت نمود. آمریکا دادخواست را غیر قابل استماع می دانست و اظهار نمود که «در پذیرش یک دادخواست باید با دقت، تمام ویژگی های اختصاصی هر قضیه و ادعاها و موقعیت طرفین مورد تحلیل واقع شود» ( Counter-Memorial, 2000, para.49). در این قضیه آمریکا ایراد نسبت به وضعیت را با عبارت دقیق پاکدستی مطرح نکرد بلکه به جای آن به تفسیر ماده ۳۶ کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی اعتراض نمود. از منظر آمریکا ممکن نیست که یک معاهده به صورتی تفسیر شود که عمده تعهدات را فقط متوجه یکی از طرفین آن نماید و رفتار طرف مقابل به هیچ وجه مد نظر دیوان قرار نگیرد

<sup>1</sup> Peaceful commerce

<sup>2</sup> Interstate-state

<sup>3</sup>Karl and Walter LaGrand

<sup>4</sup> Vienna Convention on Consular Relations of 24 April 1963

. آمریکا اظهار داشت «آلمان درخواستی از آمریکا دارد که رویه و قوانین خودش نمی تواند این ادعا را ثابت کند و در موارد مشابه کاری بیش از یک عذر خواهی صورت نمی دهد. بنابراین از دیوان تقاضا می کند که دادخواست خواهان به دلیل مغایرت رویه با ادعای حاضر، غیر قابل استماع اعلام نماید» (ICJ Rep 2001, p.488-489, paras.61-63) ایرادات مورد توجه دیوان قرار نگرفت. همچنین دیوان در رای قضیه اونا و دیگران در پاسخ به ایرادات آمریکا بیان کرد که «حتی اگر ثابت شود که عملکرد مکزیکی سرزنش آمیز باشد، نمی توان به این دلیل دادخواست وی را غیرقابل استماع دانست» (ICJ Rep 2004, p.38, para.47). دیوان با اشاره به ماهیت کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی بیان نمود که «باید استانداردهای مشخصی برای دولت های طرف کنوانسیون در نظر گرفته شود و آن، اقدام بدون مانع در روابط کنسولی است. از نظر دیوان مهمترین ملاحظه در حقوق بین الملل کنونی توسعه روابط دوستانه میان ملل و اطمینان از محافظت و کمک به بیگانگان در سرزمین دیگر دولت ها است» (ICJ Rep 2001, pp.488-489, paras.62-63).

در قضیه گابچیکو - ناگیماروس<sup>۱</sup> دیوان اعلام داشت که «دیوان نمی تواند این واقعیت را نادیده بگیرد که معاهده فی مابین سال ها است که توسط هیچ یک از طرفین به طور کامل اجرا نشده است و در واقع اقدامات و ترک فعل ها منجر به وضعیت کنونی گردیده است. همچنین نمی تواند هنگام تصمیم گیری در مورد الزامات قانونی برای آینده رفتار طرفین از این واقعیت غافل بماند. البته این بدان معنا نیست که واقعیت های ناشی از رفتارهای غیرقانونی خود می تواند تعیین کننده حقوق باشد». (ICJ Rep1997, p.76, para.133) نظر دیوان را می توان اینگونه تفسیر نمود که عدم حسن نیت و پاکدستی می تواند در تضعیف یا تشدید مسئولیت موثر باشد ولی در غیر قابل استماع دانستن دادخواست خیر.

در قضیه دستور بازداشت (۲۰۰۴)، قاضی اختصاصی وینگرت<sup>۲</sup> در نظریه مخالف خودش بیان داشت که «کنگو با پاکدستی به دیوان مراجعه نکرده است. کنگو با محکوم کردن بلژیک برای تحقیق و تعقیب اتهامات مرتبط با جنایات بین المللی مبنی بر اینکه این کشور موظف به تحقیق و پیگرد قانونی بوده است، با سوء نیت عمل کرده است». (ICJ Rep 2002,

<sup>1</sup> Gabčíkovo-Nagymaros Project , 1997, (Hungary/Slovakia)

<sup>2</sup>Van den Wyngaer



P.160, para.35) در قضیه اقدامات نظامی در و علیه نیکاراگوئه<sup>۱</sup> قاضی شوبل<sup>۲</sup> در نظریه مخالف خودش عنوان داشت نیکاراگوئه با پاکدستی به دیوان مراجعه نکرده است. زیرا این دولت مسئول غیرمستقیم مرگ و میرها و تخریب های گسترده در السالوادور است. بنابراین نیکاراگوئه هم به دلیل مداخله مسلحانه غیرقانونی در السالوادور و هم اینکه با شهادت دروغین وزرای خودش سعی در گمراهی دیوان داشته است؛ نباید ادعایش علیه ایالات متحده مورد پذیرش قرار گیرد». (ICJ Rep1986, p.392, para.268) دیوان در این قضیه به ایراد عدم پاکدستی توجهی نداشت.

در قضیه سرزمین های فسفات<sup>۳</sup> استرالیا با استناد به سوءنیت<sup>۴</sup> (در معنای عدم پاکدستی)، دادخواست نائورو را غیرقابل استماع قلمداد کرد ولی دیوان این ادعا را رد کرد و اعلام نمود که «دادخواست نائورو به درستی و براساس و در چهارچوب حق جبران خسارت به دیوان تقدیم شده است. در مرحله فعلی از دیوان خواسته نمی شود که نتایج احتمالی رفتار نائورو را باتوجه به ماهیت رسیدگی در نظر داشته باشد. فقط باید مطمئن نظر داشت که رفتار فعلی به معنای سوء استفاده از دادرسی نیست». (ICJ Rep1992, P.255, para.38)

اخیراً در قضیه سومالی علیه کنیا (۲۰۱۷)، کنیا مطرح کرد که سومالی با سوء نیت مرتکب نقض پیمان MOU<sup>۵</sup> شده است. کنیا ادامه داد طرفی که خواهان رسیدگی نزد دیوان است، حداقل در مواردی که قبلاً در خصوص ارجاع حل و فصل آنها به مرجع دیگری غیر از دیوان صریحاً توافق کرده است باید پاکدست باشد». (ICJ Rep 2017, p.67, para.150). براساس این توافق نامه هر دو طرف باید تحدید حدود مرزهای دریایی را به شیوه مندرج در آن حل و فصل می کردند. در این توافق نامه قرار بود که طرفین، اختلاف خودشان را از طریق مذاکره حل و فصل کنند و نه اینکه به دیوان مراجعت نمایند. (ICJ Pep 2017, P.68, para.152)

<sup>1</sup> Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua , 1986, (Nicaragua v. United States of America)

<sup>2</sup> Stephen M. Schwebel

<sup>3</sup> Certain Phosphate Lands in Nauru , 1992 , (Nauru v. Australia)

<sup>4</sup> Bad faith

<sup>۵</sup> MOU تفاهم نامه میان کنیا و سومالی بود که در سال ۷ آوریل ۲۰۰۹ منعقد گردید که در آن طرفین توافق کردند که بدون اعتراض، در مواردی که مربوط به محدوده خارجی فلات قاره فراتر از ۲۰۰۰ مایل دریایی است به کمیسیون محدوده فلات قاره CLSC ارجاع بدهند.

کنیا به دو دلیل خواهان غیرقابل استماع دانستن دادخواست سومالی بود:

- ۱- براساس اعلامیه ماده (۲) ۲۰۰۶؛ اختلافاتی که طرفین توافق کرده یا می نمایند که به دیگر شیوه های حل و فصل رجوع نمایند، صلاحیت دیوان استثناء گردیده است.
- ۲- سومالی توافق در مورد شیوه مدنظر در MOU را با عدم حسن نیت نقض کرده است. دیوان اعلام کرد که سومالی هیچگاه به نقض تعهدات MOU توسط کنیا اشاره نداشته و همچنین هیچگاه آن (MOU) را مبنای صلاحیت دیوان قرار نداده است به همین دلیل نمی توان دادخواست سومالی را غیرقابل استماع قلمداد نمود. (ICJ Rep 2017, p.52 para.142) دیوان در رای صلاحیتی صادره ایرادات مقدماتی کنیا را رد کرد.

«اصل سوء استفاده از حق یا دکترین منصفانه پاکدستی، در آراء دیوان دایمی بین المللی دادگستری و نظریات مخالف قضات آن مورد شناسایی قرار گرفته است» (PCIJ 1927 : 167) در قضیه کارخانه کوروزف دیوان دایمی دادگستری بین المللی بیان داشت که با پذیرش اصل پاکدستی، یک طرف نمی تواند در مواردی که خودش موجب عدم اجرای تعهد بوده، اجرای تعهد طرف مقابل را مطالبه نماید (PCIJ 1927;31). قاضی آجیبولا<sup>۱</sup> در نظریه مخالف خودش در درخواست دستور موقت بوسنی علیه یوگوسلاوی (نقض کنوانسیون در خصوص منع و مجازات ژنوساید) اعلام داشت «خواهانی<sup>۲</sup> که تقاضای عدالت می کند باید عادلانه رفتار کند به این معنا که خواهان باید پاکدست باشد» (ICJ Rep1993, p.325). قاضی رید<sup>۳</sup> در نظریه مشورتی تفسیر معاهدات صلح (۱۹۵۰) اعلام داشت که «در هر رسیدگی که اصل عدالت مورد شناسایی قرار گرفته، هیچ دولتی مجاز نیست که از اقدامات غیرقانونی خودش منتفع شود». (Advisory opinion, second phase, 1950, 221)

دولت انگلیس در قضیه مشروعیت استفاده از زور مدعی گردید که «دکترین پاکدستی ریشه عمیقی در ماهیت اساسی عملکرد قضایی دارد و باید به عنوان یک اصل کلی حقوقی در معنای ماده ۳۸ اساسنامه قلمداد شود» (ICJ Rep 1999, p.11) در قضیه گابچیکو ناگیماروس (۱۹۹۷) دیوان اعلام داشت که «براساس اصل پاکدستی، پیش فرض این است که حتی اگر مدعی خواستار اعمال تخفیف بابت اقدامات غیرقانونی خود باشد، در صورتی که

<sup>1</sup> Ajibola

<sup>2</sup> Plantif

<sup>3</sup> Read

نتایج حاصله، ناشی از اعمال غیرقانونی خود مدعی می باشد، ممکن است مستحق تخفیف شناخته نشود» (ICJ Rep 1997, p.67, para.110). در این رأی ذکر شده که دیوان نمی تواند این امر را نادیده بگیرد که این عمل چکسلواکی ناشی از رفتار غیرقانونی خود مجارستان بوده است». دیوان دریافت که مجارستان با رفتار خودش موجب لطمه به حق خودش برای خاتمه معاهده گردیده است. (ICJ Rep1997, p.67, para. 110) بلژیک در قضیه مشروعیت استفاده از زور بیان داشت که «اصل حسن نیت اساس حقوق بین الملل است. اصل حسن نیت بر ایجاد و اجرای تعهدات قانونی حاکم می باشد. اعتماد و اطمینان یک خصیصه ذاتی برای همکاری بین المللی به شمار می آید». (ICJ Rep2000, pp. 159,479) همین ایده در قضیه آزمایش های اتمی (استرالیا علیه فرانسه) و (نیوزیلند علیه فرانسه) مطرح گردید. (ICJ Rep1974, pp. 253, 457, paras, 46, 49)

قاضی آنزیلوتی در نظریه مخالف خودش در قضیه گرینلند شرقی (۱۹۳۳) بیان می دارد که «یک رفتار غیرقانونی نمی تواند مبنای یک اقدام حقوقی باشد» (PCIJ 1933: 95)

### ۳-قضیه برخی اموال ایران علیه آمریکا

مطالعه موردی این تحقیق در خصوص قضیه مصادره برخی از اموال بانک مرکزی ایران است که به استناد رای مورخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ دیوان عالی ایالات متحده آمریکا به نفع خانواده قربانیان حملات تروریستی که به ایران نسبت داده شده بود مصادره گردید.

#### ۳-۱-تاریخچه اختلاف

در سال ۲۰۰۷ دولت جمهوری اسلامی ایران از محل عایدات نفتی مبادرت به خرید اوراق بهادار از یک کارگزار لوکزامبورگی به نام «کلیر استریم»<sup>۱</sup> می کند؛ بخشی از این اوراق در سیتی بانک نیویورک سپرده گذاری می گردد. دادگاه های آمریکا بالغ بر ۵۶ میلیارد حکم علیه ایران صادر کرده اند که تقریباً ۲۶ میلیارد دلار بابت جبران خسارت و ۳۰ میلیارد دلار برای خسارت تنبیهی بابت اقدامات تروریستی ادعایی اصولاً خارج از قلمرو ایالات متحده آمریکا بوده است. در مورخ ۹ مارس ۲۰۱۶ دادگاه ناحیه جنوبی نیویورک ایران را به پرداخت ۱۰/۵ میلیارد دلار به نفع خانواده قربانیان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و گروهی از شرکت های بیمه

<sup>1</sup> Clear stream

محکوم نمود. در ۳ جولای ۲۰۱۲ نیز دادگاه ناحیه کلمبیا در رسیدگی به شکایت پترسون و دیگران علیه ایران بابت بمب گذاری سال ۱۹۸۳ در بیروت و کشته شدن تفنگداران دریایی آمریکایی مجموعاً ۸/۸ میلیارد دلار و برای دعوای پترسون و دیگران به تنهایی ۲/۶ میلیارد رای محکومیت برای ایران صادر نمود.

دادگاه ناحیه جنوبی نیویورک دستور داد که ۱/۷۵ میلیارد دلار متعلق به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بانک سیتی بانک نیویورک موجود بود مسدود شود. در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ دیوان عالی آمریکا اجازه پرداخت محکوم به را از این محل صادر و پرونده را مختومه اعلام نمود. اقدامات ایالات متحده آمریکا به استناد قانون مصطلح به 'FSIA' صورت می پذیرفت که در بخش 1605 A (b)(1) آن مصونیت قضایی دولت های حامی تروریست را نقض می کند.

### ۲-۳- اقامه دعوی در دیوان بین المللی دادگستری

در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ ایران دادخواستی در دیوان علیه ایالات متحده آمریکا ثبت نمود. مبنای صلاحیت دیوان ماده (2) XXI معاهده مودت ۱۹۵۵ بود که در سال ۱۹۵۷ لازم الاجرا گردیده بود. براساس دادخواست ایران، آمریکا با انجام هشت اقدام معاهده مودت را نقض کرده است، «تقصیر در شناسایی وضعیت حقوقی نهادهایی از جمله شرکت های دولتی ایران؛ برخورد ناعادلانه و تبعیض آمیز با این گونه نهادها و اموال آنها که موجب تضییع حقوق و منافع قانونی مکتسبه این اشخاص از جمله حقوق قراردادی آنها شده است؛ تقصیر در تعهد نسبت به یک چنین نهادهایی و اموال آنها، در حفاظت و امنیت آنها که در هیچ موردی کمتر از الزامات حقوق بین الملل نیست؛ مصادره اموال چنین نهادهایی؛ عدم رعایت اصل مصونیت قضایی (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)؛ عدم رعایت حق این نهاد جهت استیلاء بر اموال خودش؛ اعمال محدودیت در پرداخت و انتقال وجه به یا از ایالات متحده آمریکا و اختلال در روابط آزاد تجاری میان ایران و آمریکا» (Application of Iran, 2016, p.7).

ایالات متحده آمریکا در مورخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۷ ایرادات مقدماتی بر صلاحیت دیوان و قابلیت استماع دادخواست ایران وارد نمود. ایالات متحده بر این عقیده بود که «باتوجه به

<sup>1</sup> Foreign Sovereign Immunity Act

شرایط پرونده حاضر دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارد» (preliminary objections 2017, pp.47-54) و همچنین با استناد به دکترین پاکدستی دادخواست ایران غیرقابل استماع است (preliminary objections 2017, pp.54-62).

ایالات متحده ایران را متهم به انجام اقدامات تهدیدآمیز علیه تبعه این کشور و دیگر کشورها نموده و ادامه می دهد که ایران با حمایت مالی از گروه های تروریستی همچون حزب الله لبنان، نقض تعهدات منع گسترش سلاح های هسته ای و سرپیچی از قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، تلاش مستمر برای دستیابی و استفاده از قابلیت موشک های بالستیک، قاچاق اسلحه برای سازمانهای تروریستی و تامین مالی این سازمان ها نموده است (Preliminary objection 2017, p.54) ایالات متحده آمریکا ادامه می دهد که براساس قطعنامه ۱۳۷۳ (سال ۲۰۰۱) شورای امنیت؛ دولت ها باید از فعالیت های تروریستی جلوگیری و آن را سرکوب نمایند. به زعم ایالات متحده ایران چندین معاهده و قطعنامه شورای امنیت در خصوص برنامه موشک های بالستیک و هسته ای و قاچاق اسلحه را نقض کرده است.

سپس ایالات متحده جهت اثبات عدم پاکدستی ایران به اثبات مبانی آن در نظریه و رویه قضایی پرداخت آمریکا با استناد به اصولی همچون «هیچکس مجاز نیست از اقدامات متخلفانه خودش بهره مند شود» «یک اقدام غیرقانونی نمی تواند مبنای یک اقدام قانونی قرار گیرد» به دکترین مطرح در این خصوص پرداخت و استدلال نمود که این اصول مترادف با دکترین پاکدستی به شمار می آیند» (Preliminary objection 2017, p.54).

ایالات متحده همچنین به نظریه مستقل قضاتی از قبیل آجیولا در قضیه منع و مجازات ژنوساید میان بوسنی و هرزه گوین و صربستان (۱۹۹۳) استناد نمود که بیان داشته بود «هر شاکی که خواهان عدالت است باید خودش هم عادلانه رفتار کرده باشد» و همچنین به قضایایی از قبیل سکوهای نفت اشاره داشت. ایالات متحده رویه دولت ها را نیز حامی این ایده قلمداد می نماید و قضایای ممنوعیت استفاده از زور که توسط یوگوسلاوی علیه دولت های عضو ناتو در دیوان اقامه گردیده بود را مثال خوبی برای پشتیبانی از دکترین پاکدستی لحاظ می نماید.

متقابلاً ایران در مورخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۷ لایحه ای در پاسخ به ادعاهای ایالات متحده آمریکا مبنی بر عدم قابلیت استماع دادخواست به دلیل فقدان پاکدستی در دبیرخانه دیوان ثبت نمود. ایران اظهار داشت که ایالات متحده آمریکا پس از انقلاب ۱۹۷۹ تلاش فراوانی برای

اجبار و ارعاب رژیم جدید ایران [جمهوری اسلامی ایران] با ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم صورت داده است. ایالات متحده در سال ۱۹۸۴ دولت ایران را جزء دولت های حامی تروریست قرار داد و این در زمانی بود که «دولت جدید ایران در حال دفاع از خودش در مقابل بمب ها و ترورهای گروه های تروریستی مورد حمایت ایالات متحده بود. در همان موقع ایالات متحده با گسترش حمایت دیپلماتیک، مالی، اطلاعاتی و آموزشی، صدام حسین را مورد حمایت خودش قرار داده بود» (Observation of Iran, 2017, p.99) دولت ایران در خصوص حمایت از تروریسم عنوان داشت که خود دولت ایالات متحده در گزارش منتشره وزارت امور خارجه در سال ۱۹۹۷ بر این نکته تاکید داشته که «تعریف واحدی از تروریسم وجود ندارد و این وضعیت تاکنون نیز تغییری نداشته است و حتی این تلاش، برای ارائه درک واحد و جامع از تروریسم در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز موثر واقع نگردید. بنابراین متهم کردن دولت ها به تروریسم بدون وجود تعریفی جامع و عام امکان پذیر نیست» (observation 2017, p.100)

سپس دولت ایران به شکل منجز به مسئله دکترین پاکدستی می پردازد که به عنوان یکی از ایرادات مقدماتی توسط آمریکا طرح شده بود. به زعم ایران «دکترین پاکدستی به هیچ وجه قابل اعمال در قضایای میان دولت ها نیست و همچنین با مطالعه رویه قضایی دیوان این نتیجه منعکس است که تاکنون در هیچ قضیه ای دکترین پاکدستی مدعی موجب عدم قابلیت استماع دادخواست خواهان نشده است» (observation of Iran, 2017, pp.90-9)

ایران ایرادات «سوء استفاده از حق» و «عدم پاکدستی» را جز ایرادات واجد ویژگی مقدماتی نمی داند و هر دو ایراد را مناسب طرح در مرحله ماهیتی قلمداد می نماید. (observation of Iran 2017, p.5) قضایی دیوان ابراز می دارد که در قضایای نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۶) گابچیکو- ناگیماروس (۱۹۹۷) قضیه دستور بازداشت (۲۰۰۰) (نظریه مخالف قاضی وینگرت)، سکوهای نفتی (۲۰۰۳)، نظریه مشورتی دیوار حایل (۲۰۰۴)، قضیه اونا و دیگران (۲۰۰۴) و رای تحدید حدود دریایی در اقیانوس هند (۲۰۱۷) که ایراد مقدماتی عدم قابلیت استماع مطرح شده، به هیچ وجه مورد پذیرش دیوان قرار نگرفته است.

دیوان بین المللی دادگستری در رای صلاحیتی (۲۰۱۹) صادره در قضیه حاضر با رد

ایرادات ایالات متحده آمریکا صلاحیت خودش را برای رسیدگی احراز نمود و همچنین ایرادات وارد بر قابلیت استماع به خصوص پاکدستی را نیز رد کرد. براساس نظر دولت آمریکا مسئله پاکدستی یک بخش از سوء استفاده از دادرسی است. همچنین آمریکا مدعی بود که پاکدستی دارای بنیان‌های مکفی در حقوق بین‌الملل است. (Preliminary objection Rep 2019, p.41 para.106) دیوان اعلام می‌دارد که سوء استفاده از دادرسی و پاکدستی می‌تواند با هم مرتبط باشند ولی در قضیه حاضر دامنه و ادله هرکدام متمایز است. (ICJ Rep 2019, P.41, para.106)

نهایتاً دیوان اعلام می‌کند که: «آمریکا اثبات نکرده است که ایران معاهده مودت را نقض کرده است. صرف اینکه رفتار یک دولت مستحق سرزنش است برای رد دادخواست وی براساس دکترین پاکدستی کفایت نمی‌کند.» (ICJ Rep 2019, p.44 para.122) دیوان در این رابطه به رویه خودش در قضایای اونا و دیگران و همچنین تحدید حدود دریایی اقیانوس هند اشاره می‌کند. همچنین دیوان چنین نتیجه می‌گیرد که بدون رد [یا تأیید] ادعای ایالات متحده مبنی بر حمایت ایران از تروریسم، اقدامات مغایر با منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قاچاق اسلحه، بررسی آنها را به عنوان دفاعیات مرحله ماهیتی لحاظ می‌نماید. (Preliminary objection Rep 2019, P.41, para.123)

### نتیجه‌گیری

دکترین پاکدستی دارای سابقه طولانی در ادبیات حقوقی است و به بیان‌های مختلفی اعم از «هیچکس نمی‌تواند از خطای خودش بهره‌مند شود» «یک رفتار غیرقانونی نمی‌تواند مبنای یک ادعا باشد» «ادعای کسی که صداقت ندارد شنیده نمی‌شود» «یک اقدام قانونی نمی‌تواند ناشی از یک تخلف باشد» «هیچکس نباید از اقدام متخلفانه خودش بهره‌مند شود» اظهار گردیده است ولی با توجه بر اختلاف رویه محاکم و حقوقدانان هنوز به عنوان یک اصل حقوقی بین‌الملل مطرح نشده است. در معاهدات سرمایه‌گذاری و تجاری اصولاً این دکترین به تلویح و تصریح ذکر شده و محاکم داوری بین‌المللی نیز اعمال آن را در مرحله صلاحیتی و به شکل اخص به عنوان یک ایراد مقدماتی بر قابلیت استماع دادخواست مورد پذیرش قرار داده‌اند گرچه در رویه داوری بین‌المللی هم مغایرت‌هایی (قضیه یوکاس) وجود دارد ولی می‌توان اذعان داشت که به عنوان یک ایراد مقدماتی مورد پذیرش غالب دیوان‌های داوری قرار گرفته است. همانگونه که مطالعات کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص

حمایت دیپلماتیک نیز نشان داد دکترین پاکدستی دارای جایگاه ویژه ای به عنوان مانعی برای اقامه دعوی در رویه قضایی بین‌المللی نیست و حتی بر حسب این مطالعات واجد ویژگی برجسته ای برای قید در مجموعه مقررات مربوط به حمایت دیپلماتیک نبوده است. مطالعه رویه قضایی دیوان نیز موید این حقیقت است که وضعیت مسئله پاکدستی به عنوان یک ایراد مقدماتی مورد پذیرش نیست. «دکترین پاکدستی یک مسئله حقوق ماهوی است و نه یک مسئله مرتبط با آئین رسیدگی در خصوص قابلیت استماع دادخواست و ممکن است در مقطع رسیدگی ماهیتی مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه اینکه دکترین پاکدستی نمی تواند مانعی برای پذیرش دادخواست یک دولت به شمار آید» (shapovalov, 2005: 845). در قضیه مصادره اموال ایران نیز، دولت ایالات متحده آمریکا سعی داشت که با استناد به این دکترین موجب رد دادخواست ایران شود که با دفاعیات تیم حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران و با استناد به رویه این نهاد قضایی، ایراد عدم قابلیت استماع خوانده دعوی که بر اساس ادعای حمایت از تروریسم توسط ایران صورت پذیرفته بود، رد گردید و دیوان بررسی این ادعاها را مرتبط با مرحله ماهیتی<sup>۱</sup> تلقی نمود و نفیاً و اثباتاً اظهار نظری در خصوص آن ننمود و بررسی آن را به مرحله رسیدگی ماهیتی موکول نمود.

<sup>۱</sup> Yukos Universal Limited (Isle of Man) v. Russia, 2014, UNCITRAL, PCA Case No AA 227.



- Cheng, Bin. (1953). *General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals*, Cambridge U.K: Cambridge University Press
- Hoffman, Rainer, J. Tams, Christian and W. Schill, Stephan. (2015). *International Investment Law and development*, Edward Elgar Publishing
- Amianto, Lodovico (2019-2020), *The Role of "Unclean Hands" Defenses in International Investment Law*, *McGill Journal of Dispute Resolution*, Vol.6, pp.3-37
- Dumberry, Patrick (2016), *State of Confusion: The Doctrine of 'Clean Hands in Investment Arbitration After the Yukos Award*, *the journal of world investment & trade*. Vol.17, pp.229-259
- Fitzmaurice, Gerald (1957), *The general principles of international law considered from the standpoint of the rule of law*, *Hague Academy Collected Courses Online (Chapters)*. p. 1-227
- Kaldunski, Marcin (2015), *Principle of Clean Hands and Protection of Human Rights in International Investment Arbitration*, *Polish Review of International and European Law*. Vol. 4, Issue 2, pp.69-101
- Shapovalov, Aleksandr (2005), *Should a Requirement of "Clean Hands" Be a Prerequisite to the Exercise of Diplomatic Protection? Human Rights Implications of the International Law Commission's Debate*, *American University International Law Review*. Volume 20, Issue 4, pp.829-866
- Seifi, Jamal and Javadi, Kamal (2013), *The Consequences of the Clean Hands Concept in International Investment Arbitration*, *Asian Yearbook of International Law*. Vol. 19, pp.122-170
- Documents
- Maritime Delimitation in the Indian Ocean, 2017, (Somalia v. Kenya)
- Certain Iranian Assets, 2016, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Application instituting proceedings, 2016
- Certain Iranian Assets, 2016, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary objections submitted by the United States of America, 2017
- Certain Iranian Assets, 2016, (Islamic Republic of Iran v. United States of America) Observations and submissions of Iran on the preliminary objections of the United States, 2017
- Certain Iranian Assets, 2016, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 13 February 2019, Preliminary objections
- Legality of Use of Force, 2004, (Serbia and Montenegro v. United Kingdom)
- Legality of Use of Force, 2000, (Serbia and Montenegro v. United Kingdom)- Preliminary objections

- Avena and Other Mexican Nationals, 2004, (Mexico v. United States of America)
- Oil Platforms, 2003, (Islamic Republic of Iran v. United States of America)
- Oil Platforms, 1993, (Islamic Republic of Iran v. United States of America) - Preliminary objections
- Observations and Submissions on the U.S. Preliminary Objections submitted by the Islamic Republic of Iran, 1994
- Application instituting proceedings, 1992, Oil Platforms, (Islamic Republic of Iran v. United States of America)
- Arrest Warrant of 11 April 2000, 2002, (Democratic Republic of the Congo v. Belgium)
- Arrest Warrant of 11 April 2000, 2001, (Democratic Republic of the Congo v. Belgium) - Questions of jurisdiction and/or admissibility
- LaGrand , 2001 ,(Germany v. United States of America)
- LaGrand, 1999, (Germany v. United States of America)
- LaGrand, 2001, (Germany v. United States of America), Memorial of the Federal Republic of Germany.
- LaGrand, 2001, (Germany v. United States of America), Counter-Memorial of the United States of America, 2000.
- Gabčíkovo-Nagymaros Project, 1997, (Hungary/Slovakia)
- Certain Phosphate Lands in Nauru, 1992, (Nauru v. Australia)
- Certain Phosphate Lands in Nauru, 1992, (Nauru v. Australia), Preliminary Objections of the Government of Australia, 2017.
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986, (Nicaragua v. United States of America)
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986, (Nicaragua v. United States of America), Dissenting opinion of Judge Schwebel, 1986.
- Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, 1964, (Belgium v. Spain) (New Application: 1962)
- Judgment of 30 August 1924 (Objection to the Jurisdiction of the Court)
- Judgment of 26 July 1927, Factory at Chorzów
- Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 2004.
- Plama Consortium Ltd. v. Republic of Bulgaria, ICSID Case No. ARB/03/24, Award pp. 142-46 (Aug. 27, 2008) (US Annex 192)(
- Tippetts et al. v. Iran et al., Case No.7, Award No. 141-7-2 (June 22, 1984), 6 IRAN-U.S.CL.TRIB.REP.219, 228(US Annex 194)(
- Hamester v Ghana (n 12) paras 123–124. It should be noted that this case involved a BIT containing a legality requirement. ,Yaung Chi Ou Trading Trading Pte Ltd v Myanmar

- Hulley Enterprises (Cyprus) limited v Russia, 2014, UNCITRAL, PCA Case No AA 226, Final Award
- ASEAN Case No ARB/01/01, Award (3 March 2003) para 58. Fraport AG Frankfurt Airport Services Worldwide v Philippines, ICSID No ARB/11/12, Award (10 December 2014).
- Yukos Universal Limited (Isle of Man) v Russia, UNCITRAL, PCA Case No AA 227, Final Award (18 July 2014)
- International Law Commission Report on the work of the fifty-sixth session (2004), A/CN.4/538, 3-11 MAY 2004
- Yearbook of International Law Commission, 2004, A/CN.4/Ser.A, Vol.1
- International Law Commission Report A/CN.4/546, 11 August 2004
- General Assembly resolution ES-10/14, 1996
- Terrorist Attacks on September 11, 2001, US District Court for the Southern District of New York, memorandum opinion and order dated 9 March 2016, 3 MLD 1570 ( GBD) (FM)
- Brown v. Iran, 08-cv-531 (RCL) US District Court for District of Columbia, 3 July
- Deborah D. Peterson et al. v. Bank Markazi a.k.a. Central Bank of Iran et al., US District Court for the Southern District of New York, order authorizing distribution of funds dated 6 June 2016